

محراب، جلوه‌گاه

هنر تذهیب و خطاطی گردید، هنر گچ‌بری نیز بدلیل

هنرمندان مسلمان، محراب را چونان دری گشوده به بهشت در پیش چشم نمازگزاران تزئین و بریانمودند.

اصیل هنر

تزئینی اسلامی.

تزئین محراب جایگاهی بر ارزش و تجربه‌هایی سودمند یافت.

خدا است

محراب، گنجینه‌ای اصیل و سراسر هنر و ظرافت بیادگارمانده در خانه‌های



محراب مسجد «الجایتو» در جامع اصفهان، سندی معتروبی نظیر از اعتبار هنر تزئینی اسلامی بشمار می‌رود.

● جلوه‌های هنر تزئینی اسلامی در طول قرن‌ها، همه‌گانه و شگفتی و تحسین همگان را برانگیخته است. هنری که دست مایه‌های اصلی آن بر پایه استعداد و خلوص، پاک دلی و طاعت نهاده شده و با تمامی تنوع و تولید در بی‌شمار زمینه‌ها از قبیل کاشی، تذهیب، آجرکاری و گچ‌بری و سایر هنرهای ظریفه، این هنر در هر زمان دارای زبان و بیانی واحد بوده است.

نقشها با همه جلوه‌های تازه معنای واحدی دارند. با این تفاوت که هنرمندان مسلمان و باذوق تلاششان بر این بوده است تا در زمینه‌های مختلف به هنر تزئینی اسلامی حیاتی تازه و رونقی پر بار ببخشند، هم بدین دلیل در نگرش به پیشینه کهن و پرارزش هنر تزئینی اسلامی، هرگز با دوگانگی و تفاوت در معنا و زبان هنر بر نمی‌خوریم، هر چه هست حاصل اندیشه‌های واحد هنرمندانی است که به سهم خود تلاش در باروری هنر تزئینی اسلامی داشته‌اند و معنویت و خلوص و وحدت اندیشه را جایگزین تفنن و تنوع بی‌حاصل در هنر کرده‌اند. در واقع ریشه در سرگردانی و آشفتگی اندیشه دارد کرده‌اند، و این مهم در واقع پاسخگوی معنای هنری می‌شود که چونان دانه‌های رنجبری بهم پیوسته و متصل به نسبت ارزش‌های والای هنر اسلامی در طول قرن‌ها گشته است. تردیدی نیست که هر رشته از هنر تزئینی در اسلام مجموعه‌ای است گویا از تمامی تلاش‌ها و استعدادها و جلوه‌های گوناگون در سایر رشته‌های هنر تزئینی و در حقیقت می‌توان از ورای هر کدام به ارزش‌های والای این هنر پی برد و شاید به جرأت توان گفت در تاریخ هنر جهانی، در کمتر هنری همانند هنر اسلامی، هنرمندان در خلاقیت هنری، اینچنین صاحب وحدت اندیشه بوده‌اند، هنری که در طول قرن‌ها، با تمامی فرازونشیب‌ها و نیز گسترش و ادامه حیات در اقلیم‌های مختلف و سرزمین‌های دور و نزدیک، دارای بیانی یگانه است. ناگفته نگذاریم که این یگانگی هرگز مانع از رشد و تعالی و حیات هنر تزئینی اسلامی نگردیده و نیز هرگز سبب تکرار و مرگ و میر این هنر نشده بلکه عامل موثری در پیشبرد هر چه بیشتر این

هنر و ثبت آثار جاودانه‌ای شده است.

تأکید بر معنای هنر است، در هدف غایی و نهایی آفرینش هنری، در انگیزه‌های اصلی هنر آفرینی، بر تربیت اندیشه هنرمند است که چه سان از استعداد خدادادش در راه اطاعت از خدا و خدمت به بندگانش خداسود جوید، بطور نمونه در هنر تذهیب با گذشت قرن‌ها و تجربه آموزشی و خلاقیت بی‌شمار هنرمندان هر عصر و دوران، با شگفتی می‌توان شاهد رشد و تعالی این هنر شد. هنری که قالب اصلی اش را از دست نمی‌دهد، اما هر زمان جان تازه‌ای می‌یابد و یا هنر زیبای کاشیکاری و گچ‌بری بر دیوارهای خانه‌های خدادرگوشه و کنسار جهان اسلام هر چند ثبات اندیشه‌های واحدی است، اما بهر زمان و هر دوره با مدد از نقشها و رنگها به جلوه‌ای نودست یافته است.

هم بدین دلیل سیرو پژوهش در هنر تزئینی اسلامی کاری وسیع و پردامنه است. چه بسیار ارزش‌ها که از پس قرن‌ها هنوز ناشناخته‌اند، و چه بی‌شمار حیرت‌ها و پاسخ‌ها که تا به امروز بی‌جواب مانده‌اند. تلاش بر آن خواهد بود که با بررسی نمودها و ویژگی‌های هنر تزئینی اسلامی تا حد توان به ارزش‌ها راه یافت.

سهم تزئین در معماری

معماری اسلامی ایران، بویژه معماری خانه‌های خدا، در طول قرن‌ها همگام با رشد هنر تزئینی اسلامی ادامه حیات داده است و شکی نیست که در تعریف ارزش‌ها و مبانی پر بار معماری اسلامی هرگز نمی‌توان سهم والا و پر بار هنر تزئینی را نادیده انگاشت، سهمی که گاه حتی بروی ویژگی‌های معماری رجحان می‌یابد و شگفتی می‌آفریند. این مهم بویژه از قرن چهارم هجری به بعد که هنر تزئینی نقشی اساسی در بناهای اسلامی دارا می‌شود، بیشتر قابل ملاحظه و مطالعه است. با این همه در این رابطه به جلوه‌ای سراسر زیبایی و محوری مالا مال از ارزش در زمینه‌ای ارایه و رشد هنر تزئینی اسلامی در خانه‌های خدابرمی خوریم که همانا بر پای و تزئین محراب در مساجد است.

محراب در واقع گنجینه‌ای اصیل و سراسر

هنر و ظرفیت بیادگارمانده در قلب خانه‌های خدا است. سند گویایی از نهایت استعداد هنرمندان مسلمان، مجموعه‌ای از بسیار هنرها و خلاقیت‌ها، از هنر گچ‌بری تا خط و کاشی‌کاری و دیگر رشته‌های هنر تزئینی.

به یقین هنرمندان با ایمان و خلوص مسلمان، نیک آگاه بوده‌اند که محراب را چونان دری گشوده شده به بهشت در پیش چشم نمازگزاران پر پانمایند و تزئین کنند، تا بدان وقت که تمامی اندیشه‌ها به خالق و همه نگاه‌ها به یک سوراخ می‌شود. با چیره‌دستی در هنر و بروز نهایت استعداد و خلاقیت بر این خلوص و ایمان ارج نهند.

و بدین سبب است که محراب اگر چه در مجموعه بنای مساجد اسلامی جای دارد می‌بایست بطور جداگانه ارزش‌های هنری‌اش را مورد بررسی قرارداد.

شناخت محراب

محراب مکانی است در خانه خدا که امام و پیشوای مذهبی به هنگام برگزاری نماز جماعت در آن مکان به نماز می‌ایستد. محراب رو به قبله و عموماً در ضلع جنوبی دیوار مساجد برپا می‌گردد. ساختمان محراب به گونه‌ای است که اغلب با خالی کردن فضایی مستطیل شکل از بدنه دیوار و گود کردن قسمتی از زمین در پای دیوار، جایگاهی مشخص و معین ایجاد می‌کنند، تا بدانجا که بر بدنه ضلع جنوبی دیوار مساجد محراب در قابی از جلوه‌های گوناگون هنر تزئینی اسلامی رخ می‌نماید.

محراب گذشته از مساجد در سایر بناهای مذهبی نیز برپا گردیده و در هر دوران بنا به کاربرد مصالح و رواج شیوه‌ای از هنر تزئینی محراب‌ها تزئین می‌شده‌اند، چنانکه با مرور بر کاربرد هنر تزئینی اسلامی می‌توان به انواع تزئینات محراب در هر دوره راه یافت. محراب در طول دوره‌های مختلف به شیوه‌های گوناگونی تزئین شده است: محراب‌های گچ‌بری شده با نقوش برجسته، گچ با سطحی هموار و ترکیب با مقرنس‌کاری، استفاده از سفال لعاب‌دار، استفاده از کاشی‌کاری در تزئین

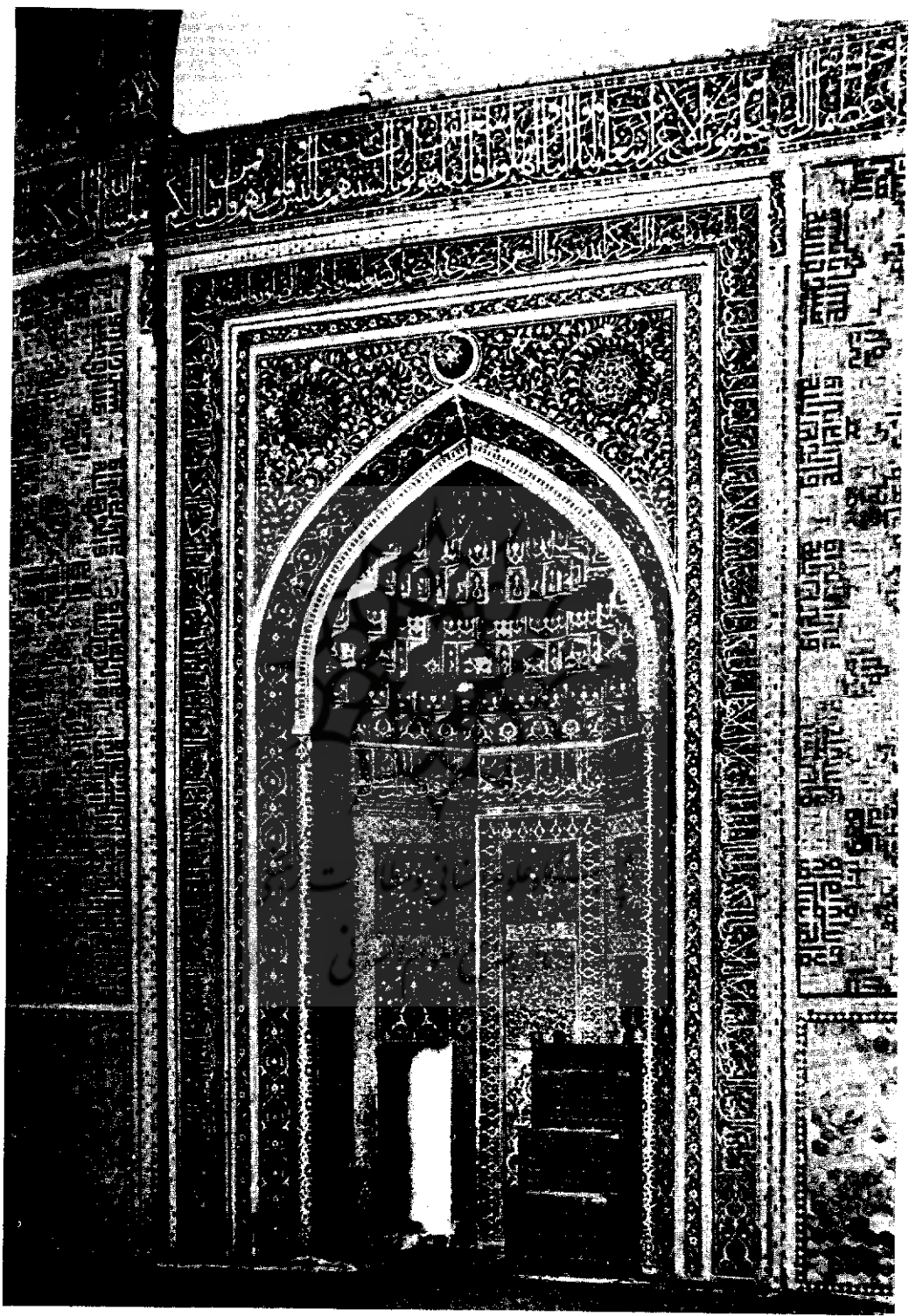
محراب، استفاده از طرح آجرکاری و گاه محراب بازمینه‌ای ساده از سنگ مرمر و یا گچ.

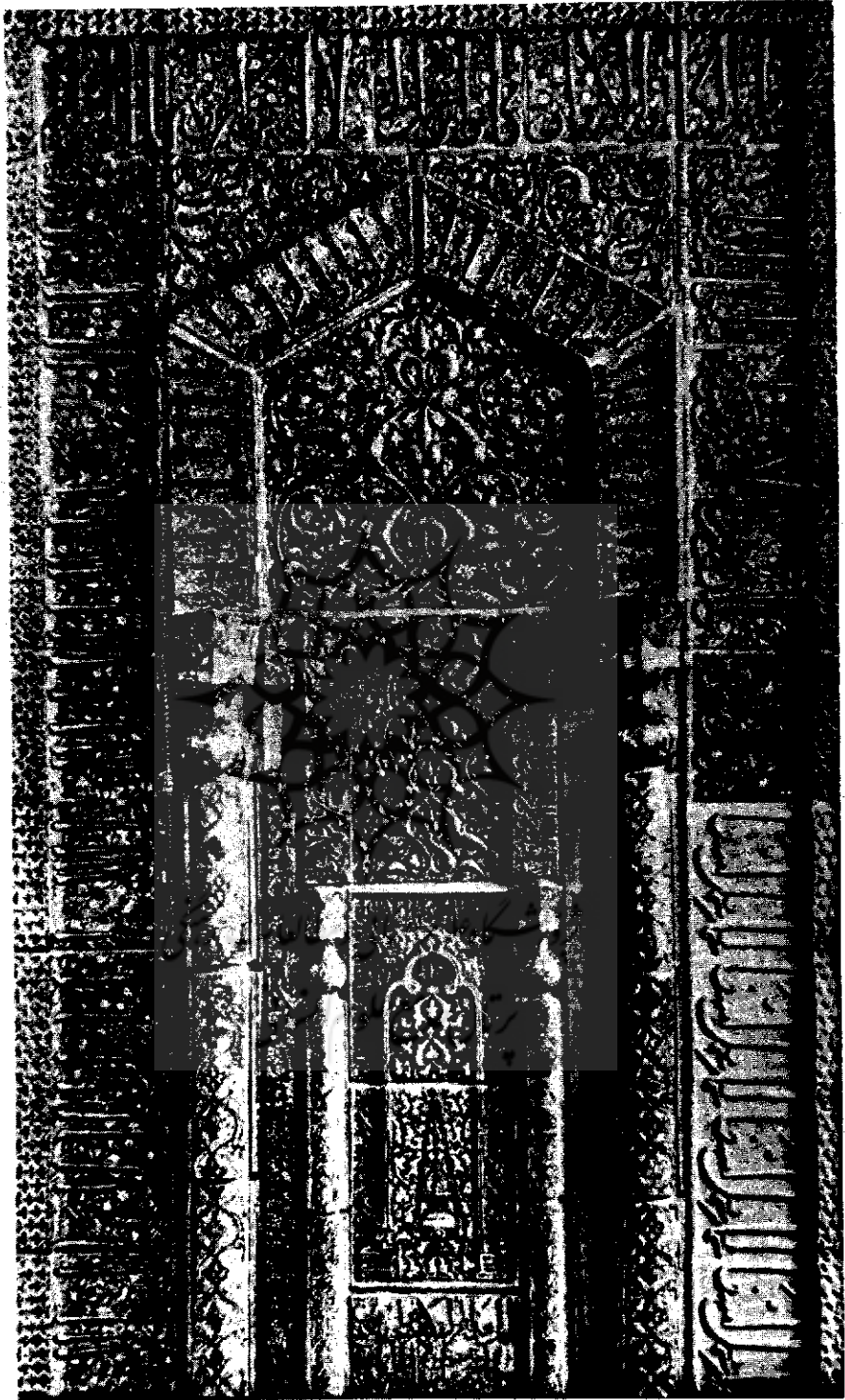
طرح محراب

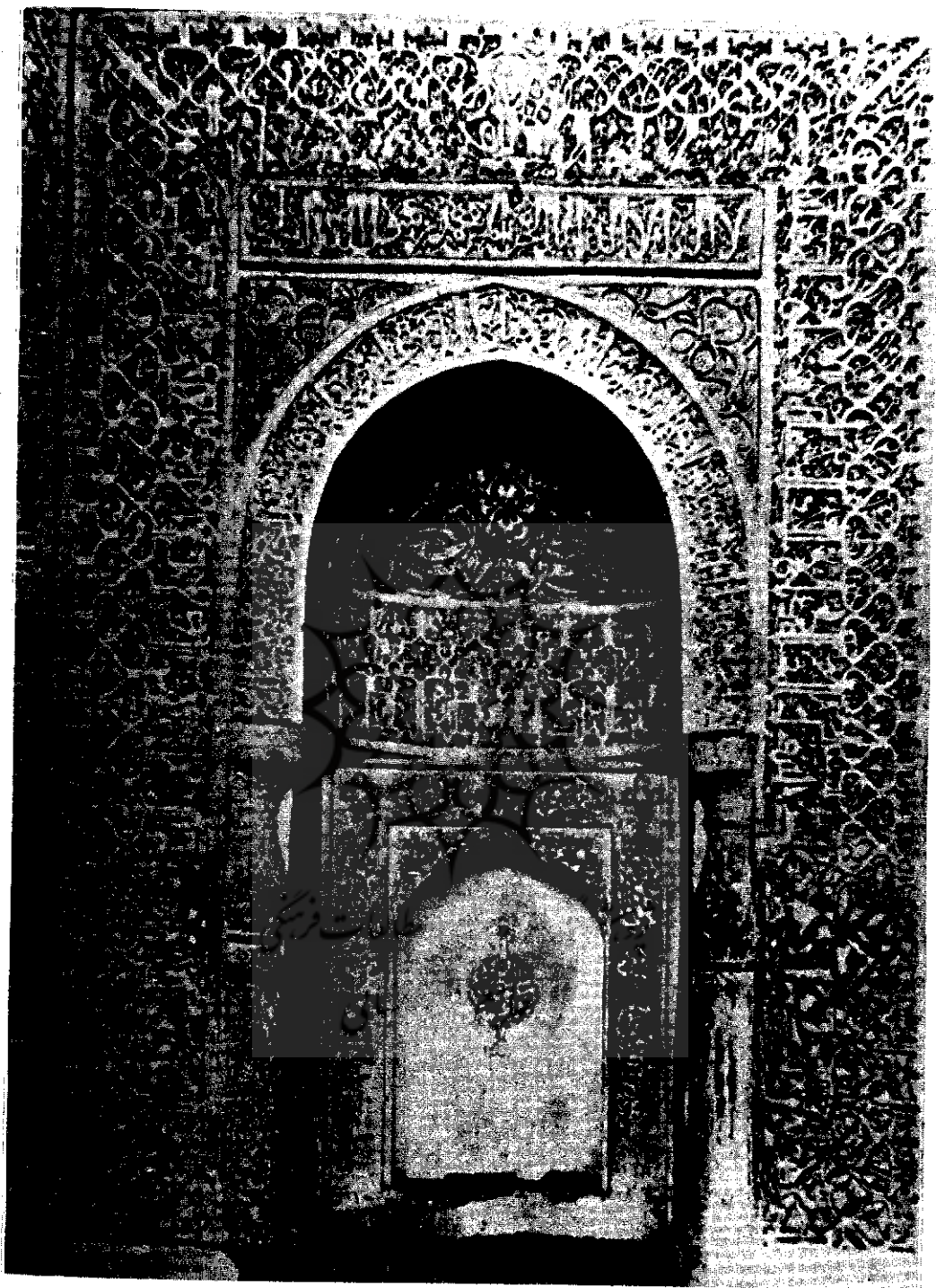
طرح اصلی محراب که از قرن سوم هجری به بعد رایج گردیده، تقریباً در تمام ادوار یکسان مورد قبول افتاد. محراب تنها وسیله عوامل تزئینی، تحول یافت و هم بدلیل تزئینات گوناگون است که می‌توان بر چگونگی ارزش‌های هنری محراب مساجد و بناهای مذهبی ایران راه یافت و آنها را مورد بررسی و مطالعه قرارداد.

طرح اصلی ساختمان محراب، عبارت است از طاقی نوک تیز که روی ستونهای کوچک قرارداد و فضای فرورفته‌ای را شامل شده و از سه سمت گرداگرد آن را دو بند یا بیشتر تزئینات و کتیبه‌های مختلف تشکیل می‌دهد. این طرح در ابعاد گوناگون همچنانکه یاد شد در ضلع جنوبی دیوار مساجد برپا گردیده است.

با گسترش معماری مساجد اسلامی ایران و رواج هنر گچ‌بری در تزئین خانه‌های خدا، نمای ساده محراب مساجد، وسیله این هنر رونق و جلوه‌ای خاص می‌یابد، هنرمندان مسلمان از قرن سوم هجری تجربه‌های نخستین در هنر گچ‌بری را در تزئین محراب مساجد آغاز می‌کنند، در حقیقت بدنبال این تجربه و کاربرد است که هنر گچ‌بری صاحب اعتباری ویژه می‌گردد و سوای محراب، قسمت‌های عمده‌ای از مساجد مزین به گچ‌بری‌های زیبا و ظریف می‌گردد، از نمونه‌های با ارزش این هنر می‌توان باقیمانده گچ‌بری محراب مسجد جامع عتیق شیراز را نام برد که در ضلع جنوبی مسجد و در بالای محراب هنوز باقی است و با تأسف بدلیل زلزله‌های متعدد و تغییرات عمده ساختمانی قسمت‌های مهم، گچ‌بری مسجد از میان رفته است. با این همه با دنبال کردن خط سیر تحولی و ادامه راه هنر گچ‌بری در تزئین مسجد و محراب، می‌توان نمونه‌های آشکار آن را در مسجد جامع نائین بچشم دید، این مسجد دارای گچ‌بری‌های زیبایی است که اغلب بصورت هشت







ضلعی و هندسی ساده و برجسته بر بدنهٔ محراب و جرزهای مسجد کار شده است و بدلیل همین گچ بری هاست که بنای ساده مسجد جامع نائین در ردیف با ارزش ترین بناهای مساجد اسلامی قلمداد می گردد.

تزئین محراب

درفاصلهٔ قرن پنجم و ششم هجری، هنرمندان مسلمان که در زمینهٔ معماری و هنرهای تزئینی صاحب مهارت و تجربه گردیده اند، تزئین محراب با گچ بری های پیچیده و مفصل را رایج می کنند هم در فاصله این دو قرن هنرمندان با جدیت و تلاش، ایمان و خلوص، نمونه های بسیار زیبایی از محراب را که در حقیقت گنجینه ای پر بار از هنر تزئینی اسلامی به شمار می آید بوجود آوردند. در این دوران پوشش اطراف محراب غالباً وسیلهٔ کتیبه هایی که دارای نقش های بسیار بود احاطه می گردید. و در سطح داخلی محراب نیز با استفاده از نقش های اسلیمی و نیز نقوشی همانند برگ و گل تزئین می شد، از نمونه های پر ارزش محراب های این دوران باید از محراب مسجد جامع برسیان یاد کرد. محراب نفیس و با ارزش این مسجد یادگاری ارزنده از هنر آجر تراشی و گچ بری اواخر قرن پنجم هجری به شمار می رود.

کتیبهٔ اطراف محراب با خط کوفی برجسته آجری و زمینه آن با تزئینات گچ بری با اشکال گل و بوته تزئین یافته است و با محراب مسجد جامع اردستان و محراب مسجد هفشویه واقع در دهکده هفشویه در شمال شرقی اصفهان که محراب زیبای گچ بری آن تنها یادگاری است که از بنای نخستین مسجد بجای مانده و گچ بری آن دارای ریزه کاریهای بسیار ظریف و کتیبه های متعددی به خط کوفی و بنایی است.

و نیز محراب دوازده امام یزد که با گچ بری بسیار هنرمندانه در ردیف شاهکارهای هنر گچ بری قرن پنجم به شمار می رود و محراب مزار پیر حمزه پوش که از ابتیهٔ قرن ششم هجری است با گچ بری نفیس و کتیبه هایی بخط نسخ و ارزش و اعتبار هنری محراب گنبد علویان همدان، از نقطه نظر دارا بودن کتیبه هایی بخط کوفی

وثلث نمونه هایی از بی شمار محراب های این دوران بشمار می روند که هر کدام در نوع خود جلوه ای از هنر تزئینی اسلامی رادار هستند.

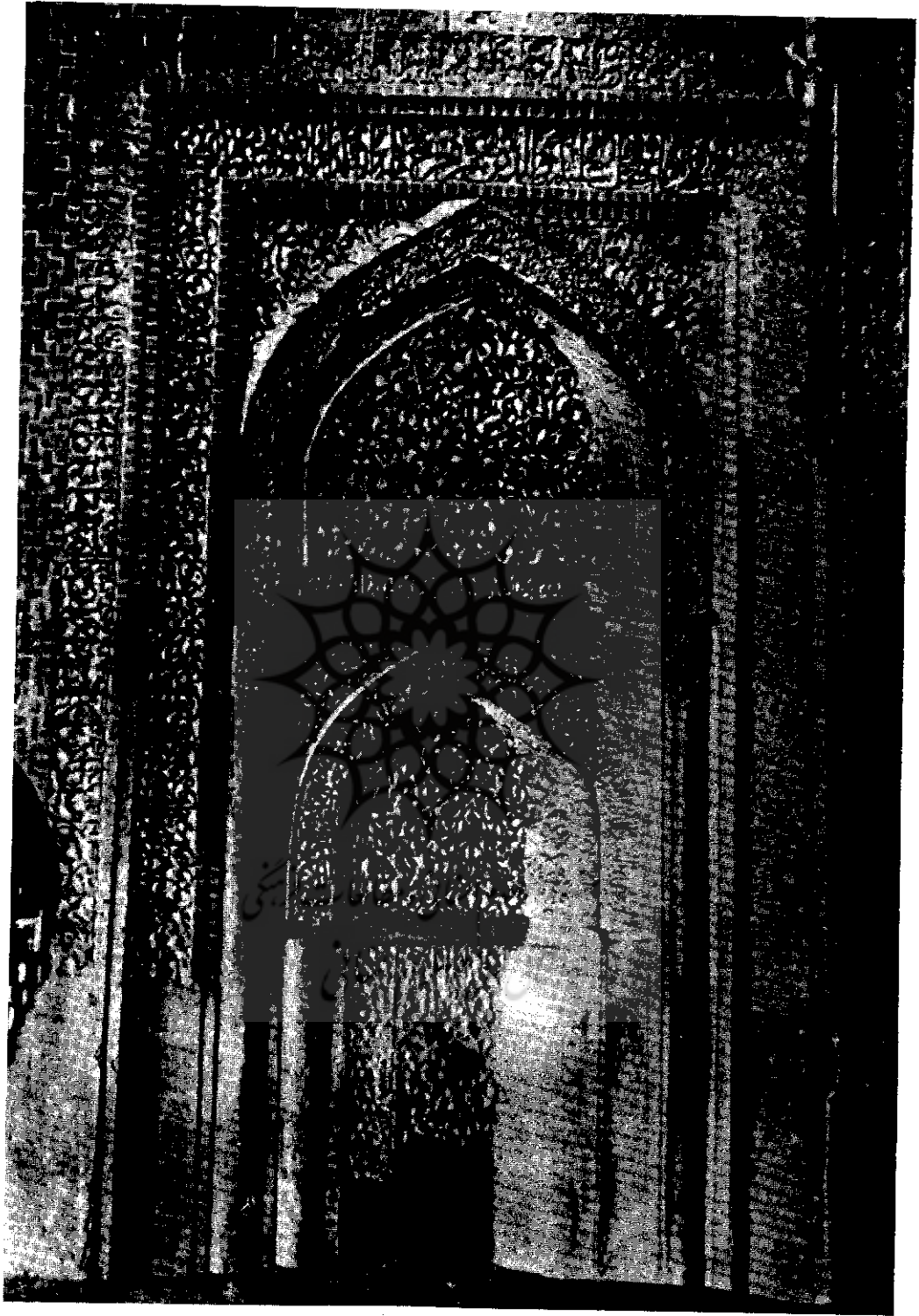
ناگفته نماند که پیشرفت و اعتبار هنر گچ بری در فاصله قرن های پنجم و ششم بی تردید مدیون خلاقیت هنری هنرمندان گچ بر و خطاط این دوران در تزئین محراب مساجد و ایجاد کتیبه های مختلف است. تا آنجا که توان گفت همانگونه که کتابت قرآن مجید باعث رشد و رونق هنر تذهیب و خطاطی گردید. هنر گچ بری نیز بدلیل تزئین محراب جایگاهی پر ارزش و تجربه هایی سودمند یافت.

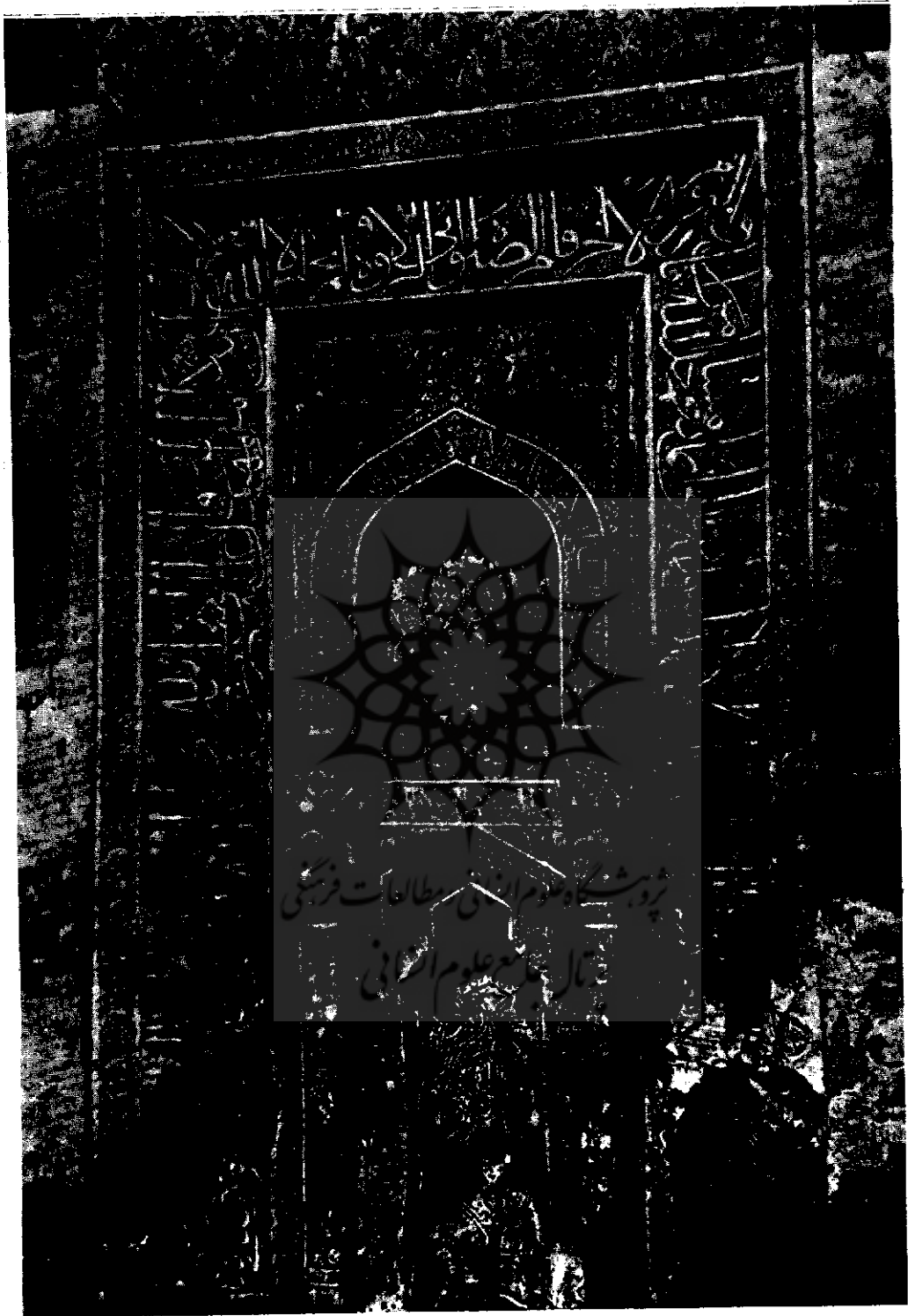
تحول محراب در قرن هفتم و هشتم هجری

درفاصلهٔ دو قرن هفتم و هشتم هجری با بسط و گسترش بنای مساجد اسلامی ایران، تزئین محراب همچنان بامداد از تجارب گذشته و با تزئینات تازه ای دنبال گردید، از زیباترین محراب های این دوران می بایست از محراب مسجد جامع ارومیه «رضائیه سابق» نام برد که بر دیوار جنوبی مسجد تا به امروز باقی مانده است. در این محراب بزرگ، بقایای محرابی کوچک تر و قدیمی تری بچشم می خورد، محراب نفیس و زیبای مسجد جامع در شهر ارومیه، در ردیف نخستین محراب های قرن هفتم هجری به شمار می رود و گچ بری آن در عداد نمونه های با ارزش هنر گچ بری است، چه دارای طرحهای مفصل تر و پیچیده تری از محراب های قرن پنجم و ششم هجری است.

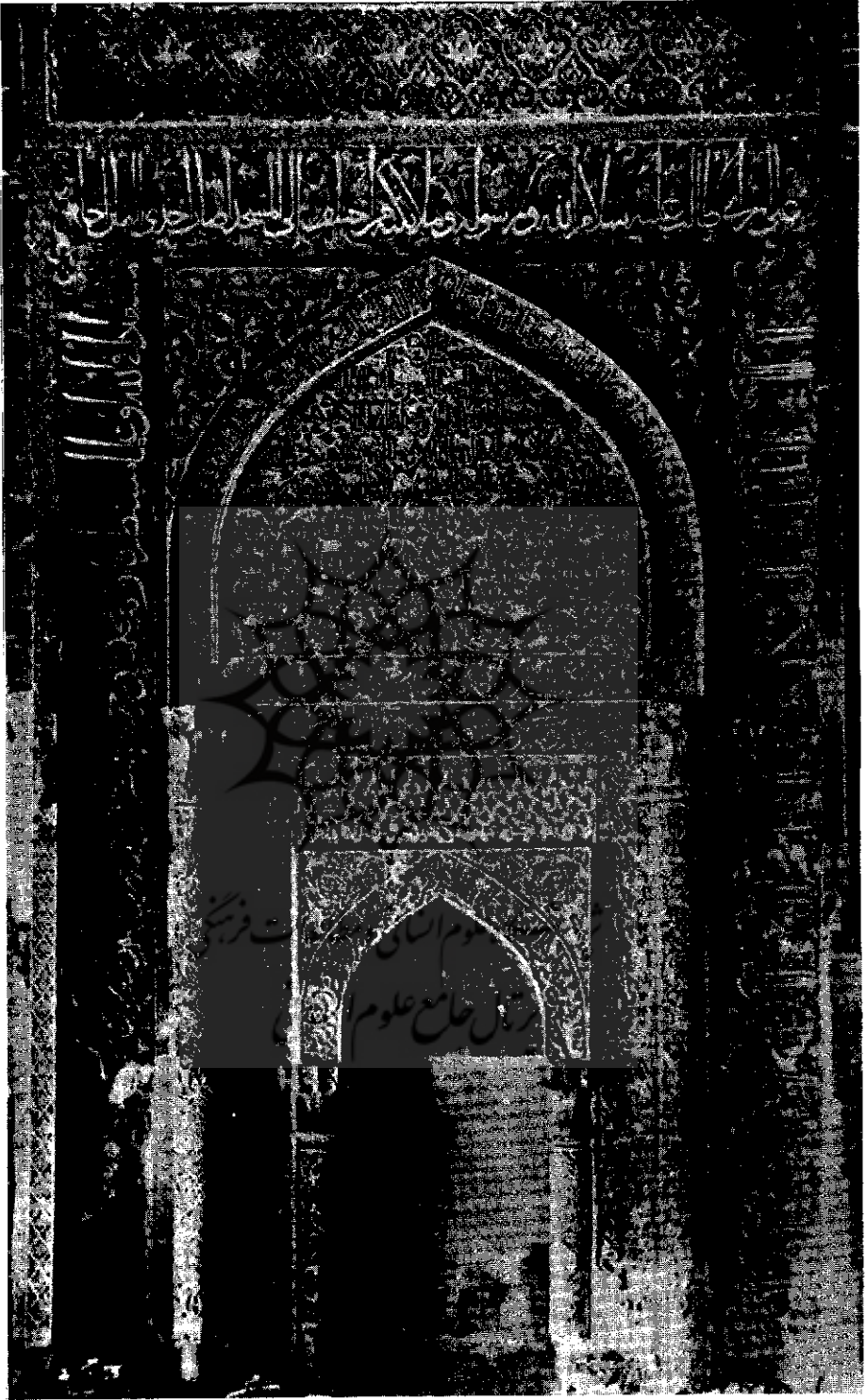
شیوه تازه ای که در تزئین سایر محراب های مساجد، در زمان خود مورد تقلید قرار گرفت. چنانکه در قرن هشتم هجری، محراب کم نظیر و سراسر هنر و ظرافت مسجد الجایتو واقع در مسجد جامع اصفهان، وسیلهٔ هنرمندان با تجربه و ماهر بر پا گردید.

در این محراب، عالی ترین درجهٔ استادی و مهارت در گچ بری و تزئین بکار گرفته شده است و در مقام مقایسه با محراب های دیگر، از ویژگی و تزئینات گچ بری خاصی برخوردار است، از آن جمله تحول در اشکال





پروفیسر ڈاکٹر محمد رفیق مصطفیٰ
تھانکس ٹو ایڈیٹر





پروشکاوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسطح و یکدست بودن زمینه نقش‌ها را باید نام برد، برتری تزئینی محراب الجایتو تابدانجاست که به جرأت توان گفت همانند نظیری تا به امروز نیافته است و چونان سندی معتبر از رشد هنر تزئینی اسلامی در مجموعه پرازش هنرهای اسلامی مسجد جامع اصفهان می‌درخشد.

از دیگر محراب‌های پرازش و هنری قرن هشتم در مساجد اسلامی ایران، می‌بایست از محراب مسجد جامع مرند یاد کرد که از نقطه نظر گچ‌بری و شکل ساختمانی و بویژه ستونهای مدور با حاشیه‌های تکرار شده و مهم‌تر از همه کتیبه‌های معتبره به خط کوفی و رقا و هماهنگی و تناسب نقوش و ریزه‌کاریهای بسیار دقیق در شمار محراب‌های نفیس قرارداد و محراب مسجد ایزران با گچ‌بری، و کتیبه زیبای آن با خط کوفی. سواى تزئین محراب بوسیله هنر گچ‌بری، هنر کاشی‌کاری نیز سهم عمده‌ای می‌یابد، پیشرفت هنر کاشیکاری و کاربرد عمده این هنر در تزئین ایوانها و شبستان مساجد در بسیاری از محراب‌های مساجد بامد از زیبایی و جلوه کاشی‌های رنگارنگ، شیوه‌ای نودرتز بین محراب که در گذشته نیز نمونه‌های نادری داشته است رایج می‌گردد. هنرمندان مسلمان بامد از خطوط و اشکال هندسی بر بدنه کاشی در رنگهای غالباً آبی و فیروزه‌ای، طرح تزئینی تازه محراب را به مرحله اجرا درمی‌آورند. از نمونه‌های جالب و بسیار ارزنده محراب‌های کاشیکاری شده، می‌بایست از محراب مسجد جامع یزد یاد کرد. این محراب زیبا و گرانبها بانقوش کاشی معرق، تزئین یافته و دارای قطار مقرنس بی نظیری است و یا مسجد جامع سراب مربوط به قرن نهم هجری که دارای محراب کاشیکاری برجسته بانقوش اسلیمی و طلائی است

کاشی معرق تحولی تازه در تزئین محراب

با تزئین چشمگیر و زیبای کاشی معرق در ساختمان محراب مساجد، تحولی تازه در هر چه

باشکوه‌تر ساختن محراب‌ها ایجاد شد، چنانکه محراب متجدد شیخ لطف‌الله در اصفهان با کاشی معرق و مقرنس کاری اعجاب‌انگیزش در ردیف آثار مهم و بی‌نظیر هنری و نموداری از پیشرفت هنر کاشی‌کاری و معرق‌کاری قرن یازدهم هجری است. هم در این محراب در داخل دولوحه کاشی نام کارگر و استاد بنا دیده می‌شود. «عمل فقیر حقیر محتاج به رحمت خدا محمد رضا بن استاد حسین بناء اصفهان ۱۰۲۸»

بایست که هنر کاشیکاری در قرن یازدهم هجری و بنای مساجد عمده و معتبر، محراب‌های زیبایی باخشت‌های رنگین و معرق‌کاری‌های زیبا و کتیبه‌های گوناگون بوجود آمد. ادامه شیوه‌های گذشته

در قرن دوازدهم هجری، تزئین محراب بامد کاشی، همچنان ادامه یافت و چندان تغییری جز در رنگ و نقش کاشی‌ها بوجود نیامد، از جمله محراب‌های زیبای این قرن باید از محراب مسجد وکیل شیراز یاد کرد که گرچه چندین بار مرمت و تعمیر شده است، اما نموداری روشن از شیوه تزئین محراب، در قرن دوازدهم به شمار می‌رود.

در قرن سیزدهم، باتوجه به تنوع در اشکال کاشی و اضافه نمودن رنگهای شاد و روشن در زمینه کاشی، شاید بتوان محراب مسجد سید اصفهان را در ردیف معتبرترین و زیباترین محراب‌های قرن سیزدهم هجری به شمار آورد.

جسار دارد در پایان این بررسی یادآوری شود که پژوهش درباره و ویژگی‌های تزئینی محراب‌های مساجد اسلامی ایران نیاز به تحقیقی مفصل و پرحاشیه دارد و تنها در این میان به ذکر نمونه‌هایی اکتفا شده است.

امید که این تحقیق آغاز راهی باشد در پژوهشی گسترده و جامع در شناسایی هر چه بیشتر ارزش‌های تزئینی محراب‌های مساجد ایران که هر کدام به سهم خود، سندی معتبر در شناخت و ویژگی‌های هنر تزئینی اسلامی به شمار می‌آیند.